

مشاهده است از جمله دوستی‌ها، روابط خانوادگی، روابط ازدواج، گروه‌بندی‌های مختلف اجتماعی و... همین‌طور که پیش برویم، این جنبه‌های هویتی به جایی می‌رسد که عمیق‌ترین لایه‌های هویتی یک جامعه است. آن عمیق‌ترین لایه‌های هویتی جامعه است که «تاریخ‌ساز» است. بنابراین همه اینها ویژگی‌های هویتی است ولی باید ببینیم هر کدام از ویژگی‌های هویتی چه کارکردی دارد و چه نقشی در تاریخ ایفا می‌کند.»

۹ قاسم سلیمانی مظهر حقیقت هویتی جامعه ایرانی است

مؤلف کتاب «تطورات گفتمان‌های هویتی در ایران» در تحلیل واکنش مردم به شهادت سردار سلیمانی و حضور پرشور در مراسم تشییع ایشان گفت: «هرموقع «حقیقت هویتی» یک جامعه ضربه بخورد، جامعه واکنش نشان می‌دهد. شهید قاسم سلیمانی مظهر آن جنبه‌های هویتی است که اینچنین عمل می‌کند. یعنی شهید سلیمانی هر طور دیگری هم که بود - یعنی فرض کنیم که یک انسان خیلی خوب و مبارزی بود - اما اگر آن نسبت را با آن جنبه هویتی برقرار نمی‌کرد، نمی‌توانست مظهر چنین پدیده عجیبی باشد. اگر قاسم سلیمانی حضرت زهرایی (ع) نبود، اگر سیدالشهدایی نبود و دائما در پیوند با او سخن نمی‌گفت و رفتار و عملکردش را با او نسبت نمی‌داد، قطعاً چنین پدیده‌ای که شما عظمتش را مشاهده کردید، واقع نمی‌شد. به هر حال مردم جامعه نسبت به آدم‌هایی که در جامعه هستند و کاری برای آن جامعه انجام می‌دهند و فداکاری می‌کنند، حساس می‌شوند و اگر اینها ضربه‌ای بخورند، شهید یا مجروح شوند این جامعه ادیت می‌شود ولی این یک سطحی دارد. اینکه این آدم با چه سطحی از هویت این مردم در ارتباط است و با چه جنبه مقدسی از این موجود اجتماعی ارتباط می‌گیرد اهمیت مضاعفی دارد. عملکرد لایه‌های عمیق و اساسی هویتی این گونه است که هرچه به آن لایه‌های عمیق‌تر می‌رسید، هم گستره آدم‌هایی که درگیر می‌کند بیشتر است و هم شدت و عمق عاطفی و شوری که نشان می‌دهد بیشتر خواهد بود.»

۹ وحدت در عین کثرت

پرسش دیگر ما از حسین کچویان درخصوص دربرگیری پدیده شهادت حاج قاسم سلیمانی بود. از عبدالکریم سروش تا اردشیر زاهدی و از محمود دولت‌آبادی تا مسعود بهنود نسبت به شهادت سردار سلیمانی واکنش نشان داده بودند. از دکتر کچویان سوال کردیم که این مساله چطور قابل تحلیل است؟ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در تحلیل این کثرت در عین وحدت گفت: «آن ارزش‌های پایه‌ای یک جامعه، وجوه انسانی خاصی دارد. یعنی شما اگر با ارزش‌های انسانی بشر ارتباط بگیرید آن طرف دنیا هم عکس‌العمل نشان می‌دهد. چون به لحاظ این ارزش‌های انسانی همه مشترک هستیم. همه انسان‌ها از آدمی که با زشتی مبارزه می‌کند و خودش را برای انسان‌های دیگر فدا می‌کند، خوششان می‌آید. یعنی این جنبه‌ای است که همه انسان‌ها با آن به یک شکلی ارتباط می‌گیرند و اختلاف‌انگیزی نمی‌کند، بلکه به شکل‌های متفاوتی افراد را وسط می‌آورد. یعنی یک نقطه مشترکی است که آدم‌ها با زاویه‌های متفاوت با این نقطه مشترک ارتباط می‌گیرند. مثل آن مدل مو و لباس و موسیقی نیست که اختلاف در آن ظاهر است. همه می‌گویند این انسان، انسان خالص و مخلصی است که برای خودش مبارزه نکرده است. هرکس که خودش را زیر پا می‌گذارد، از نظر همه انسان‌ها ارزشمند است. حالا یکی از منظر دیانت اسلامی با آن ارتباط می‌گیرد و دیگری از جنبه ارزش‌های ملی با آن مرتبط می‌شود. هرکسی به شکلی ولی با همان ارزش واحد با این نقطه مرکزی نسبتی برقرار می‌کند و به آن متصل می‌شود.»



است و عمق قیامش هم عمقی ناپیدا است.»

۹ حضور مردم در جریان تشییع، تجلی باطن جامعه بود

کچویان حضور پرشور مردم در مراسم تشییع شهید قاسم سلیمانی و همراهان در شهرهای مختلف کشور را نمود ظاهری باطن جامعه توصیف و اضافه کرد: «این انقلاب این ظرفیت را دارد که از بطن و از حواشی آن همواره نیروهایی بیرون خواهد آمد که دائما به این کشور تجدید حیات خواهد داد و زنده‌اش خواهد کرد. این نیروها دائما در غلیان خواهند بود و لذا هیچ‌وقت این انقلاب دچار مرگ نمی‌شود. این انقلاب چنین ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی دارد که روز به روز هم تقویت پیدا می‌کند. شما تجلی این نیروها را عملاً مشاهده می‌کنید؛ یک روز در قالب راهپیمایی اربعین، یک روز ۹ دی و یک روز تشییع شهید و البته مسائل دیگری هم هست که می‌بینید.»

۹ اعتراض طبیعی است اما نباید آن را مقابل حقیقت انقلاب تفسیر کرد

نویسنده کتاب «کند و کاودر ماهیت معمایی ایران» با بیان اینکه حوادث دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ اقتضای طبیعی یک جامعه زنده است که کم‌وبیش دچار مشکلاتی است، تاکید کرد: «جامعه‌ای که زنده باشد به مشکلات اعتراض می‌کند و این امری طبیعی است. این طور نیست که ما بگوییم اعتراض مردم الکی بوده است یا خدایی ناکرده مردم بی‌خود کرده‌اند که به خیابان آمده‌اند! مردم اعتراض کردند و اعتراض‌شان هم درست است و باید هم جواب مطالبات آنها را داد. ولی مشکل، تحلیل و تفسیرهایی است که از اینها می‌شود، یعنی این مسائل را طوری تحلیل و تفسیر می‌کنند و آنها را در مقابل حقیقت انقلاب، حقیقت مردم و هویت واقعی جامعه قرار می‌دهند. اتفاق‌هایی که می‌افتد، طبیعی است اما مفهومی این نیست که مردم در مقابل انقلاب ایستاده‌اند یا از انقلاب خسته شده‌اند یا جامعه دچار فروپاشی شده است! نه! این مسائل در همه جا بسیار طبیعی است. این تعبیر و تفسیرها غلط است و الان دیگر به اندازه کافی شواهد قوی و متقنی برای رد این گونه تحلیل‌ها داریم. یک زمانی می‌گفتیم پله ممکن است همین تعبیرهایی از جنس «کارناوال» و اینها ممکن است درست باشد و مردم هم از روی «عادت» بیرون بیایند. یا دیدم اخیراً این جنس صحبت‌ها را درخصوص انتخابات می‌کنند. یک زمانی دنبال تحریم انتخابات توسط مردم بودند و تلاش می‌کردند که مردم پای صندوق‌های رای نیایند اما الان یک مبنای جدید پیدا کردند و می‌گویند «این قدرت رسانه است که مردم را به بیرون می‌آورد و رسانه‌های جمهوری اسلامی مردم را پای صندوق‌ها خواهند کشاند». اینها قدرتی را برای رسانه اثبات می‌کنند که اصلاً غیرقابل تصور است. مگر رسانه چنین قدرتی دارد که بتواند چنین کارهایی کند؟! الان و بعد از این همه تشکیک کردن درباره عجایی که از اوایل انقلاب تا به حال دیده‌ایم، ادله فراوانی در دست داریم که اصل مطلب چیز دیگری است و تحلیل‌هایی از این جنس دقیق و علمی نیست.»

۹ عمیق‌ترین لایه‌های هویتی جامعه «تاریخ‌ساز» است

حسین کچویان با بیان اینکه جامعه حقیقتی را در بطن خودش دارد که آن حقیقت، وجه اساسی هویتی آن است، در توضیح عناصر اصلی هویتی اضافه کرد: «وجه هویتی یک جامعه، ابعاد و اجزا و عناصر مختلفی دارد. یک جنبه آن همین ظواهر مثل نحوه غذا خوردن و مدل مو و لباس و مقوله‌های روزمره‌ای از این دست است. این ویژگی‌های ظاهری هیچ‌موقع یک جامعه را بلند نمی‌کند تا مثلاً در مقام دفاع مقابل یک بیگانه قرار دهد. اما ویژگی‌های دیگری هم هست که وقتی به سطوح عمیق‌تر هویتی می‌رویم قابل



انقلاب برگردند! می‌خواهند به مشروطه برگردند! به همین سادگی چنین تعبیرهایی می‌کنند! من می‌گویم شما این صحبت‌ها را از کجا آورده‌اید؟ کدام مستند نظری یا مستند تجربی به شما چنین اجازه‌ای می‌دهد که اینطور سخن بگویید؟

۹ چیزی که حقیقت ندارد مثل کف روی آب است

کچویان با بیان اینکه ما در یک فضای توهمی از نظریات بی‌ربط و بی‌وجه زندگی می‌کنیم، به دشواری‌های نظری و ذهنی پذیرش سخن کسی که در پوزبسیون حکومت قرار دارد، اشاره و اضافه کرد: «چند نفر با این مطبوعات و اخیراً هم شبکه‌های اجتماعی که کنترل همه چیز را به دست گرفته‌اند، فضای توهمی و سوئی درست می‌کنند اما به بیان قرآنی، آن چیزی که حقیقتی ندارد، مثل کف روی آب است و کافی است یک نیروی عظیم درونی با یک واسطه‌ای تظاهر کند. همه را می‌شوید و می‌برد. مثل کف روی آب. پدیده‌ای که شما در تشییع شهید سلیمانی دیدید، نشان داد حقیقت جامعه ما چیست.»

۹ انقلاب اسلامی، فوکو را متحیر کرده بود

مؤلف کتاب «فوکو و دیرینه‌شناسی دانش»، انقلاب اسلامی را از لحاظ گستره جغرافیایی و سطح درگیر کردن مردم در طبقات مختلف یک امر «بی‌نظیر» دانست و گفت: «این انقلاب چیز عجیبی است که نظیری نداشته است. چیز عجیبی که «فوکو» که فهم تاریخی خوبی داشته و نسبت به وضعیت اجتماعی درک داشته است را متحیر کرده بود تا این حد که در اثنای انقلاب سخن از مشاهده «موارد غیرقابل مشاهده» می‌گفت. مسائلی چون مساله «روح جمعی» و «اراده جمعی» مفاهیمی است که قبل از آن صرفاً آنها را مفاهیمی «متافیزیکی» قلمداد می‌کردند که هیچ مابزه‌ای در جهان اجتماعی ندارد. می‌گفتند تعابیری «هگلی» است که مبنایی هم ندارد! اما فوکو چیزی را درک کرده بود که می‌گفت «من اینجا «روح جمعی» و «اراده جمعی» را می‌بینم؛ یک جامعه تماماً قیام کرده